

متن صحبت محترمه سهیلا شیرزی

مسوول کمیته زنان افغان مقیم کشور دنمارک

در محفل بزرگداشت به مناسبت هشتم مارچ در شهر کوپنهاگن

مؤرخ ۸ مارچ ۲۰۱۳

مادران، خواهران و جوانان عزیز!

اجازه دهید از نام کمیته زنان افغان مقیم دنمارک، هشتم مارچ (روز همبسته گی بین المللی زنان)، روز برافراشتن درفش مبارزه علیه ستم، روز پیکار قهرمانانه و غرور آفرین ملیونها زن آگاه و رزمنده جهان را که در راه رهایی از قید و بند ستم طبقاتی و جنسی و به خاطر رسیدن به حقوق انسانی خویش می رزمند، به همه یی مادران و خواهران در سراسر جهان، به ویژه به زنان داغدیده، رنج کشیده، ستم رسیده، زحمتکش، صبور و بی دفاع افغانستان تبریک و تهنیت گویم.

از ۱۵۶ سال بدینسو، مباره آگاهانه زنان در برابر خشونت و بی عدالتی جریان دارد.

در این روز پُر افتخار در بسیاری از کشورهای جهان، زنان و مردان آزادیخواه و آگاه جامعه گردهم جمع می شوند، تا آواز اعتراض خود را نسبت به ستم و تبعیض جنسی و خشونت علیه زنان به گوش جهانیان برسانند.

در هشتم مارچ سال ۱۸۵۷ زنان کارگر، کارخانه نخ ریزی و پارچه بافی شهر نیویارک ایالات متحده امریکا، در اعتراض به شرایط نامناسب و غیر انسانی کار به جاده ها ریختند و دست به مبارزه گسترده یی زدند و در خواست ۱۵ ساعت کار در روز، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، حق رأی، بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد را نمودند.

در حالیکه این زنان از حقوق حقه خود به شکل مسالمت آمیز دفاع می نمودند، دفعتاً با برخورد مسلحانه پولیس مواجه شدند، پولیس به صفوف معترضین زن وارد شده و صفوف شان را درهم شکسته و بسیاری از آنها را مجروح و حتا چندین نفر آنها را بیرحمانه به شهادت رسانیدند.

فریادهای برحق این مبارزین به سرعت انتشار یافت و در کمترین زمان از مرزهای امریکا خارج و وارد اروپا و از آنجا دامنه های آن به آسیا و افریقا نیز سرایت کرد و دیری نگذشت که به چهره درخشان حق طلبی و آزادی خواهی زنان سراسر جهان مبدل گشت.

در سال ۱۹۱۵ نماینده حزب سوسیالیست امریکا، در کنفرانسی که در کوپنهاگن برگزار شد و در آن یکصد زن از ۱۷ کشور حضور داشتند، پیشنهاد اینکه یک روز در سال به عنوان روز جهانی زن نامیده شود و زنان سراسر جهان در آن روز به راه پیمایی و تظاهرات دست بزنند را مطرح ساختند.

در این هنگام «کلارا زتکین» خطاب به زنان نموده گفت: "زنان آگاه و مبارز شما در ابتدای کار تان به مشکلات و موانع بی شماری در راه آرمانهای تان برای آزادی، صلح، همبسته گی و اتحاد با زنان مواجه می شوید. ولی رسیدن به این پیروزی مبارزه خسته گی ناپذیر می خواهد، پشت کار داشته باشید و موقف حساس خود را در تشکّل جامعه و نقش فعال خود را در فامیل و خانواده فراموش نکنید. برخیزید و در راه زنده گی بهتر و جامعه نوین مبارزه کنید."

«کلارا زتکین»، در این کنفرانس پیشنهاد تعیین ۸ مارچ (روز جهانی زن) را مطرح و قطعنامه را برای تصویب به کنفرانس ارایه کرد.

در قطعنامه یی «کلارا زتکین»، به تعداد چهار خواست مهم پیشنهاد شده بود:

۱- مبارزه به خاطر تأسیس حقوق مادری و حقوق کودکان؛

۲- مبارزه بر علیه خطر جنگ؛

۳- مبارزه برای حق رأی؛

۴- مبارزه علیه تورم و افزایش قیمتها.

پیشنهاد وی روز مشخص در سال ۱۹۱۱ در انترناسیونال دوم پذیرفته شد.

سده نهم، شاهد ظهور جنبشهای کارگری زنان در امریکا و نضج گیری آن در اروپاست. اعتصابهای، سرود نان و انگور در فضای خیابانها طنین خاص می افکند. ما نان و انگور میخواهیم! (خوشته انگور سمبول زنده گی بهتر بود.)

در سال ۱۹۷۷ قطعنامه‌ی در سازمان ملل به تصویب رسید و از تمام کشورهای جهان دعوت به عمل آمد تا یک روز را به مناسبت حقوق زنان و صلح جهانی جشن بگیرند. جنبش هشتم ماه مارچ محدود به چند شعار اتحادیه‌های صنفی و کارگری باقی نمانده، ویژه‌گیهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیشتر کسب نمود.

زنان پیشرو و مترقی جهان نشان دادند که نمیتوان نقش ارزنده و سازنده‌ی زنان را در امر به وجود آوردن تغییرات و تحولات دموکراتیک، دستیابی به پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفت و به آن کم بها داد. زیرا بدون حضور فعال و مشارکت گسترده و سهمگیری مؤثر زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در فعالیتهای اقتصادی و در پروسه تولید نعمات مادی و معنوی، اعمار جامعه مرفه و مترقی ناممکن و تأمین عدالت اجتماعی امکان ناپذیر است. با وجود آمدن تغییرات در وضعیت زنده‌گی سیاسی و اقتصادی، کار و فعالیت اجتماعی زنان در اکثر مناطق جهان به ویژه کشورهای که به پیشرفتهای چشمگیر علمی و تخنیکی نایل آمده‌اند ولی هنوز هم زنان در قاره‌های آسیا و افریقا و امریکای لاتین با مشکلات زیاد رو به رو هستند که مواردی از آن اینها اند:

- موجودیت تبعیض بین مرد و زن بر اساس پندارهای تعصب آمیز فکری و سنتهای پوسیدهٔ قبیله‌یی؛
- تسلط ستم طبقاتی و جنسی؛
- بلند بودن رقم بیسوادی؛
- قتل‌های ناموسی؛
- ازداجهای اجباری و پیش از وقت؛
- تعدد زوجات؛
- مرگ و میر زنان حامله، نوزادان و کودکان؛
- کمبود خدمات بهداشتی و سایر تأمینات اجتماعی؛
- انجام کارهای ثقیل، شاقه، جهت تأسیس حد اقل مخارج زنده‌گی؛
- دشواریهای محیط کار؛

- موجودیت قیود و وضع محدودیتها در پروسه انتخابات و حق رأی دادن و انتخاب شدن در مقامات دولتی؛

- وجود قوانین، مقررہ ہا و صدور فتواہای دست و پاگیر از آدرس دین و مذهب، در ضدیت با آزادی زنان و در مخالفت با آموزش کار، تحصیل، سرگرمیہای سالم، حقوق و آزادیہای دموکراتیک و اجتماعی زنان.

از آن زمان تا کنون تغییرات مثبتی به اساس قانون اساسی، در بسیاری از کشورہای پیشرفته جهان به وجود آمدہ و وضعیت زنان تا حددی بہبود یافته است.

در سرزمن باستانی ما، مبارزہ افتخار آمیز زنان آزادیخواہ بہ هدف رهایی از قید و بند مناسبات فیودالی و از زیر بار ستم قرون وسطایی از دوران نہضت امانی، آغاز، اما این مبارزہ حق طلبانہ با ایجاد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان وارد مرحلہ نوینی از تکامل خود گردید و طی مدت کوتاهی بہ مؤفقیتهای چشمگیری نایل گردید.

بہ جاست از خدمات ارزندہ زنان چون ملکہ ثریا، داکتر اناہیتا راتبزاد، صالحہ فاروق اعتمادی، معصومہ وردک ... یادآور شویم.

ولی با تأسف باید گفت کہ در کشورہای جهان سوم و اسلامی نظر بہ قوانین و شریعت اسلام، سنتہای دست و پاگیر و حکومت مرد سالار زنان، این نیمی از کمیت فعال جامعہ را از ابتدایی ترین حقوق شان محروم ساختہ و در تحت سیاستہای سرکوبگرانہ قرار دادہ اند.

افغانستان نیز از جملہ چنین کشورہا بود و از طریق بلند گوہای حکومتی ہمیشہ گفته شدہ کہ زنان در افغانستان از جایگاہ و احترام خاصی برخوردار ہستند! اما بر اساس گزارشہای مختلف بین المللی، افغانستان بدترین جای زندہ گی برای زنان است. طوریکہ ما شاهد ہستیم، زنان در افغانستان ہر روز بہ اشکال مختلف مورد خشونتہای فرهنگی، اجتماعی و بہ ویژہ خانوادہ گی قرار گرفتہ و تبعیض میان مرد و زن بہ مراتب بدتر میگردد و تا جایی کہ دیدہ شدہ است، خشونتہا جرم پنداشتہ نشدہ و یک امر مطلوب بیان می شود. بیش از یک دہہ ستمہای را بہ زنان روا داشتند کہ امروز مردم افغانستان و جهان نظیر آن را در تاریخ زندہ گی شان ہرگز تجربہ نمودہ اند!

زن ستیزان حاکم و صاحبان زر و زور با استفاده از دین اسلام در شکنجه های مختلف زنان از هیچ عمل غیر انسانی دریغ نکرده اند!

همین شرایط جامعه چنان در بین مردان خانواده ها رشد کرده است که اکثریت شیوه زن ستیزی را به خود افتخار می دانند!

همین زنان اندکه با رنج و سختیهای زیاد در اجتماع، با فقر و بدبختی دست و پنجه نرم میکنند!

به یاد داریم! فروش و اختطاف دختران جوان و اعمال خشونت علیه زنان و دختران که منجر به خود سوزیها می گردد، توأم با مبادله دختران با حیوانات در مناطق روستایی کشور است. از قبیل:

- سنگسار نمودن دختران و پسران مانند (صدیقه و خیام) دو جوان دلداده به گناه داشتن محبت پاک و عشق ورزیدن در زیر چشم عساکر آلمانی به وحشی ترین شیوه که تاریخ معاصر نظیر آن را ندیده است.

- قطع و بریدن اعضای بدن زنان و دختران از جمله قطع بینی عایشه دختر ۱۸ ساله که هر بیننده با احساس، به بی رحمی و دد منشی عاملین آن لعنت می فرستند.

- شکنجه دادن و اعمال خشونت علیه زنان و دختران چون سحرگُل دختر ۱۴ ساله که عاملین وحشی صفت آن واژه زیبای انسانیت را لگد مال کردند.

- **به یاد داریم!** زنی که به خاطر کمک صحی به کلینیک میدان وردک کار می کرد، طالبان وحشی صفت او را کشتند و جسد بیجان این را به درخت آویزان کردند! تازیانه های نفرت و عقده شان کور خود را نثار او کردند.

- اعدام نجیبه ۲۲ ساله، توسط طالبان.

- انیسه دختر جوان که به جرم مشارکت در واکسیناسیون فلج اطفال به ضرب گلوله طالبان خان خود را از دست داد. از ناجیه صدیقی سرپرست امور زنان ولایت لغمان، که به ضرب گلوله شهید شد.

- از عروسانی که با دست حنایی به گورستانها فرستاده شدند، و یا صد ها زن دگر را که گردن بریدند، حلق آویز کردند، سوزانیدن، زهر دادند، خفه نمودند و یا هم به ضرب گلوله کشتند.

طبق گزارش اخیر کمیسیون حقوق بشر در جریان ۸ ماه سال ۱۳۹۱ بیش از ۴۵۰۰ مورد خشونت تنها در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده است.

این در حالیست که کمیسیون مستقل حقوق بشر در تمام سال گذشته شمسی، ۳ هزار قضیه خشونت با زنان را ثبت کرده. خشونتهای امسال در نوع خود بی سابقه ترین، وحشیانه ترین و به لحاظ تعداد بالاترین رقم کشتار و تجاوز را بر علیه زنان و کودکان نشان میدهد. واقعیت امر این است که بیشتر زنان و دختران در افغانستان همه روزه با خشونتهای فراوانی رو به رو می شوند. از سوی خانواده های شان مورد ضرب و ستم قرار می گیرند، آزار و اذیت می شوند. آزادیهای شان محدود می شود و به اثر خشونت به قتل می رسند.

زنانی که قربانی خشونتهای خانواده گی می شوند، بیشتر شان به هیچ گونه امکاناتی برای دادخواهی و جلوگیری از بروز این خشونتها دسترسی ندارند. دستگاه های عدلی و قضایی به خشونت علیه زنان در دادگاه های ادارات و جامعه افغانستان، به شکل جدی و قاطع برخورد نمی کنند. موضوع تجاوز جنسی بر زنان و کودکان در افغانستان در حال افزایش است.

زنان کشور هنوز در میان دو قانون (اسلام و حقوق بشر) مراحل طولانی اسارت و برده گی خویش را سپری می نمایند. تا کنون زنان نی تنها به دستیازی به ارزشهای قانون اسلام در جامعه گردیده اند و نی از قوانین نافذ حقوق بشر سود برده اند و این را نمیتوان با مانورهای سمبولیک و با وضع نمودن قوانین و لوایح میان تهی از بین بُرد و البته این در گرو تغییر بُنیادی پایه های نظام سیاسی و تأمین عدالت اجتماعی است، تا بتوان بر چنین زخمهای شان مرحم گذاشت.

امیدوارم تا هشتم مارچ، تحرکات قاطع و انگیزه های موثری را در راه تشکُل و همبسته گی ملی و بین المللی زنان کشور ما به وجود آورده تا ایشان دوشا دوش مردان در راه تأسیس جامعه آزاد و دموکراتیک و تأمین عدالت اجتماعی و برابری کامل حقوق مردان و زنان و ایجاد جامعه فارغ از

تبعیض و تمایز جنسی، ملی، مذهبی، قومی و گروهی درخشش آزادی و دموکراسی را تا سرمنزل مقصود حمل نمایند.

زیرا بدون حضور فعال و مشارکت گسترده و مؤثر زنان در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی و در پروسه تولید نعمات مادی و معنوی جامعه مرفه و مترقی ناممکن و تأمین عدالت اجتماعی، امکان ناپذیر است.

مادارن، خواهران و دختران دردمند افغانستان عزیز، هر شب را سحری است. اندوه شما هم پایانی دارد!

درخشان باد جنبش زنان در افغانستان